

پنجشنبه ۹ دی ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۳ جمادی الاول ۲۵ • 30 Dec 2021



نگاهی به رسانه‌ها

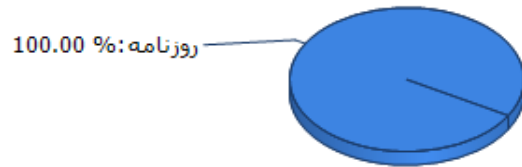
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

تعداد کل محتوا : ۴



روزنامه

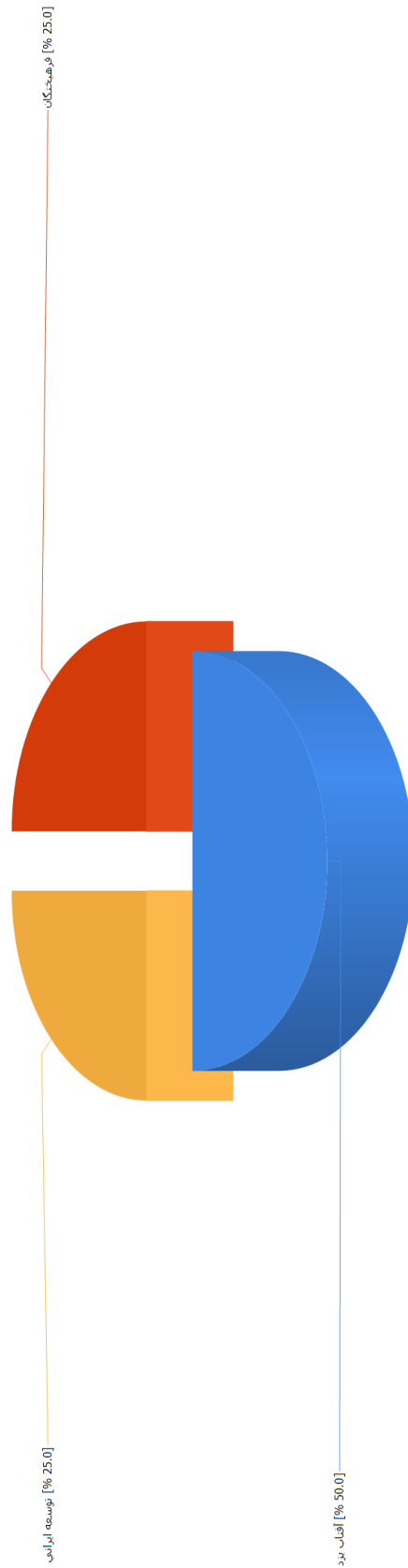
۴



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۵۰/۰	۲	آفتاب یزد	۱
۲۵/۰	۱	توسعه ایرانی	۲
۲۵/۰	۱	فرهیختگان	۳
۱۰۰	۴	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	«اعترافات ذهنی» می آید	آفتاب یزد
۸	«شتر مرغ» در پایان راه	آفتاب یزد
۹	فصل گرم آن سوی مرکز	توسعه ایرانی
۱۰	آرزوی آقای شاعر	فرهیختگان



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



«اعترافات ذهنی...» می آید

نمایش «اعترافات ذهنی محبوس در فضایی دو در یک» به نویسندگی و کارگردانی سجاد حسین پور از ۱۲ دی در تماشاخانه شانو روی صحنه می رود. به گزارش مهر، در خلاصه داستان نمایش آمده است: روایت‌های یک ذهن در روز سیزدهم قرنطینه...

«شتر مرغ» در پایان راه

نمایش «شتر مرغ» به نویسندگی و کارگردانی محمد لهراسبی با رسیدن به روزهای پایانی اجراهای خود، تا فردا دهم دی ماه صحنه پردیس تئاتر شهرزاد را در اختیار دارد. به گزارش ایلنا، در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «چند نفر بدون اینکه بدانند در دنیایی عجیب گیر افتاده‌اند. در این میان یکی از آن‌ها مدام سعی می‌کند دیگران را مجاب کند که چیزی این وسط اشتباه است اما...»

تاریخ انتشار: پنجشنبه ۹ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۱:۳۵

نگاهی به دو نمایش؛ «فنس» در تبریز و «آدیداس» در مشهد

فصل گرم آن سوی مرکز



حسان زبور عالم

به امروز، تجربه دیدن نمایش در این دو شهر اما بیش از آنکه گواه بر افتراق باشد، دلالت بر شباهت دارد.

«فنس» عنوان نمایشی است که در تبریز مشاهده کردم. متن محمد رحمانیان روی صحنه در گام اول حامل نوعی حسرت بود. یکی از بهترین قصه گوینان تئاتر ایران در دو دهه گذشته، با روایتی از طرفداری دیوانه‌وار یک خانواده از منجستر یونانیته، این پرش را پدید می‌آورد چه بر سر رحمانیان آمد. متون چند سال اخیر او، تلفیقی از مونولوگ‌های غرق در باطنی نوستالژی و همراهی سناز و آواز یک گروه موسیقی بوده است. دیدن «فنس» اما گواه بر توانایی بود که گویی تمایلی به تکرار نیست. متن رحمانیان بسا کارگردانی نازایلا ایران زاد، در کنار چند اجرای اخیر که از هنرمندان تبریزی در تهران دیدم، خبر از شکل و شمابلی از تئاتر برای جلب توجه مخاطب امروز دارد. نمایشنامه‌هایی قصه‌گو با توانایی اجرا در دکورهایی با ابعاد واقعی و بازنماینده

«آدیداس» مورد جذابیت است. نمایشی کم حرف درباره تقابل دو نسل، یکی خود را معقول می‌پندارد و دیگری از سوی معقول، نامعقول فرض می‌شود. حالا همه چیز به یک جدال نسلی بدل می‌شود

اشیای واقعی. دکورهایی که ما را درون خانه‌های آشنا قرار می‌دهد و تمایلی به ایجاد انتزاع در تصویر ندارد. در «فنس» هم همه چیز به نسوی این رئالیسم بصری پیش می‌رود؛ هر چند رئالیسم چندانی در کار نیست. متن رحمانیان چیزی است شبیه همان تله‌تئاترهای مشهورش، تقابل و تعارض چند آدم بر سر موقعیتی یکسان در مکانی واحد و حال این بار مکان خانمانی است معمولی در منجستر میان چند هوادار قرمز پوشان که اشتراک‌هایشان منجر به

ماجرای زمانی است که بازی بازگراکن هم به سمت اغراق پیش می‌رود، به خصوص برای برگ‌برنده نمایش، محمد فرشیاف. چهره پر طرفدار اینستاگرامی تبریز، قرار است عامل فروش نمایش شود. تجربه نشست در یک سالن پر مخاطب گواه بر این استراتژی است؛ اما بازیگر اسیر و در بند زبان، مدام اغراق می‌کند؛ آن هم در آن فضای رئالیستی.

وضعیت در مشهد متفاوت بود. رئالیسم «آدیداس» در راستای انهدام است. متن مهدی ضیاچمنی به کارگردانی پویا غازی، مواجهه پسر جوان با دایی میانسال عزت‌آب است. همه چیز هم گویی در رئالیسم پیچیده شده است. نزاع نسلی میان نیازها و خواست‌ها منجر به یک وضعیت ژانل نمی‌شود، در عوض با افزودن مفرح روبه‌رو می‌شویم. با وجود تلاش برای ملموس کردن زبان شخصیت‌ها و صیقل زدن زبان برای رسیدن به تقابل زبان محاوره معمول و زبان زبر زبانی (Slang)، واقعیت را قلب می‌کند. فقدان دکور رئالیستی و حرکت به سوی مینیمالیسم در طراحی چیزی جز خنده به امر غریب در بر ندارد. این همان چیزی است که «فنس» از آن عاری می‌شود. جایی که قرار است به یک کمدی شبیه به آثار درام‌نویسان دهه ۷۰ انگلیس شبیه باشد، توانایی خلق موقعیت پستاد نمی‌کند و حتی از خودت می‌پرسی اگر به جای منجستر یونانیته نام پرسپولیس به میان می‌آید، چه رخ می‌داد.

«آدیداس» مورد جذابیت است. نمایشی کم حرف درباره تقابل دو نسل، یکی خود را معقول می‌پندارد و دیگری از سوی معقول، نامعقول فرض می‌شود. حالا همه چیز به یک جدال نسلی بدل می‌شود. دایی نمی‌فهمد خواهرزاده‌اش چسرا درگیر روابطی نامتعارف است و رفقایش هر یک از

متن رحمانیان در «فنس» با کارگردانی نازایلا ایران زاد، در کنار چند اجرای اخیر که از هنرمندان تبریزی در تهران دیدم، خبر از شکل و شمابلی از تئاتر برای جلب توجه مخاطب امروز دارد

جهانی ناآشنا وارد خانه‌ای شده‌اند که اساساً خانه نیست. همه چیز به یک صندلی و یک فرش خلاصه شده است تا این جهان زیستی بی‌معنی تر شود، اما همه حرف‌ها در بستر رئالیسم تعریف می‌شود. از قضا این پارادکس نیز از سوی مخاطب درک می‌شود و آنچه نمایش را جذاب می‌کند همین وضعیت است. در نمایش صحنه‌ای طولانی قرار دارد که در آن قرار هست تمام شخصیت‌ها در یک قاب تصویر، عکاسی شوند. پنج دقیقه نفس‌گیر تنظیم دوربین برای عکاسی که اساساً در بستر رئالیسم تعریف می‌شود، به یک افزودن تمام‌عیار تبدیل می‌شود. شاید استمرار تئاتر در مشهد منجر به این درک شود که واقعیت قابل دستکاری است. می‌توان زبان را از شکل و فرم انداخت. می‌توان دنیا را ساختگی تر و شخصی تر کرد. می‌توان تکیه به بازیگر و چهره نکرد، اما مخاطب خود را حفظ کرد. هر چند در وجه مخاطب هر دو نمایش با استقبال همراه بودند، اما بازی می‌توان به این درک رسید در شهری که استمرار تئاتر در آن بیشتر است، دانفقه مخاطب پخته‌تر و البته تجربه‌گراتر در دیدن می‌شود. با این وجود باید تأکید کرد این نوشتار صرفاً یک تجربه ناقص است و نمونه‌های انتخابی صرفاً بر مبنای استقبال مورد قیاس قرار گرفته است.

یادداشت

نگاهی به نمایش «فردگناه» پرواز شماره ۷۰۷، نوشته احمدرضا احمدی

آرزوی آقای شاعر

فاطمه زمیبار

شاید این فرصت خوبی برای طرفداران شعر و به خصوص شاعر معاصر احمدرضا احمدی باشد که این بار نه از راه خواندن کتاب شعر بلکه برای نخستین بار از راه صحنه تئاتر به دنیای شاعرانه او راه پیدا کنند. نمایش «فردگناه» پرواز شماره ۷۰۷، نوشته احمدرضا احمدی و به کارگردانی کوروش سلیمانی، از ۱۸ آذرماه در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفته است و تا ۱۷ دی ماه ادامه دارد. مجموعه خانه هنرمندان، سالن استاد سمندریان نام شاعر معاصر «احمدرضا احمدی» شاید مثلث درخششان و خاطرهای انگیزی است برای هر آنچه یک اثر هنری می خواهد. با وجود تندیس استاد بزرگ تئاتر ایران «حمیدرضا سمندریان» بر ورودی سالن نمایش، گویی هنرمندان و مخاطبان ناخودآگاه از در قیاس یا قضاوت وارد می شوند و توقع بالاترین سطح کیفیت را از آن تئاتر دارند. همان طور که نام این شاعر ما را به سالن تئاتر کشاند این بحث درباره مخاطبان دیگر نیز صدق می کرد؛ چراکه نمایش در شب های اجرای خود ضمن رعایت فاصله گذاری ها با حضور جمعیت متناسب با ظرفیت سالن رویه رو شده است. در گفت و گو با مخاطبان در تماشاخانه ایرانشهر هم اغلب به این انگیزه برخوردیم که نام احمدرضا احمدی آنها را با وجود شرایط سخت کرونا به اینجا کشانده است.

احمدرضا احمدی از ۲۰ سالگی به طور جدی به سرودن شعر پرداخت و اولین مجموعه شعرش را با عنوان «طرح» در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد که مورد توجه جامعه ادبی و منتقدان آن دوران قرار گرفت. کسب جوایز متعدد داخلی و خارجی و همچنین نامزدی او برای جایزه هانس کریستین آندرسن تنها وجه درخشش احمدی نیست که بخواهد نام او را برای هفت دهه در خاطر چندین نسل ماندگار کند بلکه ارزشمندی و جایگاه احمدی در شعر معاصر به مسیر تازه ای است که در حوزه ادبیات رقم زد. او در دهه ۴۰ با شعرخوانی و ضبط صدای شاعران بنیانگذار سبک موج نو در شعر معاصر ایران به آغازگر یک حرکت مدرن در فرهنگ ایرانی بدل شد و بر جریان داستان، نمایشنامه، تئاتر، سینما و نقاشی هم تاثیر گذاشت. نوشتن نمایشنامه هم از جمله علاقه مندی های این شاعر معاصر است و بارها ابراز کرده آرزوی بزرگ او روی صحنه رفتن نمایشنامه هایش است. با گذشت سال های زیاد از نگارش نمایشنامه «فردگناه» پرواز شماره ۷۰۷، کوروش سلیمانی بازیگر و کارگردان تئاتر، این نمایش را روی صحنه برده است. احمدرضا احمدی در یادداشتی که از وی منتشر شده است، راجع به نمایشنامه خود نوشته است: «همیشه دوست داشتم نمایشنامه هایم تا زنده هستم روی صحنه بروند و اجرا شوند. همین «فردگناه» پرواز شماره ۷۰۷ را هم قرار بود داود رشیدی روی صحنه ببرد که نشد. الان به سنی رسیدم که مشتاقانه دری را باز می کنم اما وقتی به جایی نمی رسم و نتایجی از آن که دلم می خواهد، نمی گیرم رها می کنم و دنبال آن نمی دوم. خیلی از چیزهای دیگر در زندگی ام نشده، گویا حالا قرار است بالاخره این اتفاق بیفتد.»

کوروش سلیمانی، کارگردان نمایش «فردگناه» پرواز شماره ۷۰۷، در گفت و گو با «فرهنگستان» درباره میزان رضایت احمدی از این نمایشنامه اظهار کرد: «آقای احمدی عزیز، شاعر بزرگ معاصر در سال های اخیر کسالت داشته اند و در عین حال هم بیماری کرونا باعث شد که از حضور در نمایش بپرهیز کنند. ما هر روز با ایشان در تماس هستیم و اشتیاق بی اندازه ایشان برای اجرا شدن این نمایش باعث افتخار ماست. از کم و کیف کار در جریان هستند و نظرات تماشاگران و منتقدان را مطالعه می کنند. بازخوردهایی که از ایشان دیدم، نشان از رضایت بسیار بالایی دارد که مهم ترینش روی صحنه آمدن این کار است. این یک آرزوی بزرگ برای ایشان بود و خوشحالم که در حد توان خودمان این وظیفه را انجام دادیم.» او در ادامه افزود: «این یک ادای دین به شخص آقای احمدی و شاعرانی مثل ایشان است. شاعران نه در ایران بلکه در همه جای دنیا با توجه به طبع و روحیه حساسی که دارند از بی عدالتی ها رنج می برند؛ این رنج کشیدن در کنار مفاهیمی چون عشق، مرگ، رویا و عدالت مفاهیمی است که در این کار وجود دارد و برای ما هم اهمیت داشته است.»

او همچنین با اشاره به مشکلات تئاتر در ایران گفت: «تهیه کننده ها به جز موارد استثنایی در پی این هستند که در کارهایشان چهره های مشهور سینمایی بازی کنند. کارهایی که حمایت ویژه می شوند یک چهره های خاصی را می خواهند که فقط تماشاگر برای دیدن آن به تئاتر بیاید. سرمایه سالاری حاکم هم شرایطی را به وجود آورده است که برخی تماشاخانه ها اولین اولویت شان پول های گزافی است که می گیرند و اینکه گاهی اثر از یک تئاتر حرفه ای به یک تئاتر مبتدی تبدیل شود برای آنها هیچ اهمیتی ندارد.»